

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۲۳

فردوس

غلبه نظامی، مشروعیت انتخاباتی

در گذشته ها حکومت ها تلاش می کردند از طریق برگزاری جرگه های قبایلی و نشست های عالمان دینی برای حاکمیت شان مشروعیت بخرند. پس از سقوط طالب ها هم تلاش شد تا اداره جانشین از طریق برگزاری جرگه سنتی صاحب مشروعیت شود. در سال ۲۰۰۲ باور بسیاری ها این بود که ریشه گرفتن مشروعیت انتخاباتی در افغانستان بسیار زود است. در آن زمان سلطنت ظاهر شاه یک دوره طلایی تصور می شد. عده ای حتی تلاش داشتند که افغانستان به آن زمان برگردد و دوباره نظام سلطنتی اعاده شود. مشروعیت سلطنت کابل، خاندانی و میراثی بود. شاید به همین دلیل بود که جامعه جهانی پس از تشکیل اداره موقت زیاد تلاش کرد تا مرحوم محمد ظاهر پادشاه سابق را برگرداند و امنیتش را تأمین کند. حامد کرزی هم در انتظار عمومی تلاش می کرد که خودش را آدم شاه سابق معرفی کند. کرزی حاضر نبود شاه سابق را در راس حکومت قرار دهد، اما در انتظار عمومی می خواست خودش را آدم نزدیک به او معرفی کند. همه این تلاش ها برای تقویت مشروعیت سنتی اداره جانشین طالب ها انجام می شد.

قانون اساسی کنونی افغانستان از روی قانون اساسی سال ۱۳۴۳ ساخته شد. تمام صلاحیت های شاه و صدراعظم را که در آن قانون اساسی درج است، در قانون اساسی کنونی برای رئیس جمهور در نظر گرفتند. از آنجائی که برخی از همسایه ها مخالف حضور شاه در راس دولت و تشکیل نظام سلطنتی در افغانستان بودند، عناصر مهم و مجموع نیرو های سیاسی مسلط به نظام جمهوری کنونی که ساختار حکومت آن ریاستی است، تن دادند. دکتر عبدالله رئیس اجرائی کنونی باری اعتراف کرد که در سال ۲۰۰۳ طرفدار نظام ریاستی بود و فکر نمی کرد که حضور یک صدراعظم در حکومت یا حکومت پارلمانی به سود کشور باشد.

در آن زمان تصور جهانی هم این بود که نقش سمبولیک پادشاه سابق، اساس قرار گرفتن قانون اساسی سال ۱۳۴۳ و تشکیل جرگه های سنتی، بیشتر از انتخابات به حکومت جانشین طالب ها مشروعیت می دهد. تصور این بود که اگر حکومت جانشین طالب ها بتواند امنیت را تأمین کند، با جرگه سنتی، نقش سمبولیک شاه و حضور نیرو های مسلط سیاسی در دستگاه حکومت، صاحب مشروعیت می شود. در آن زمان می گفتند که انتخابات روش بسیار شیک و مدرن است و افغانستان باید آهسته آهسته با آن عادت کند.



اما امروز انتخابات جایش را در افغانستان باز کرده است. کسی تصور نمی کرد که مردم از انتخابات پارلمانی استقبال کنند.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرو مخکې په خیر و لولئ

در سال های اخیر هم عده ای استدلال می کردند که یک دیکتاتور قدرت مندی که بتواند نظم بیاورد، حتی بدون انتخابات هم می تواند صاحب مشروعیت شود. «شیرکوپرکولز» سفیر بریتانیا در کابل در سال ۲۰۱۱ در کتاب خاطراتش نوشته است که باری حامد کرزی هم به او گفته بود که یک دیکتاتور با کفایت بدون انتخابات و دموکراسی هم در افغانستان صاحب مشروعیت می شود. روایت پاکستانی ها هم چیزی شبیه به همین بود. آنان می گفتند/می گویند که دموکراسی در افغانستان کار نمی دهد و یک نیروی بنیادگرای قبیله ای می تواند در افغانستان نظم و امنیت بیاورد و صاحب مشروعیت سیاسی شود. آنان گروه طالبان را مثال می زدند/می زنند که توانستند بیشتر جغرافیای افغانستان را اشغال کنند و حداقل در روستا های جنوب با مشکل مشروعیت مواجه نشوند.

ولی حضور گسترده مردم در پای صندوق های رأی، در همین هفته، نشان داد که انتخابات یکی از معیارهای مشروعیت سیاسی در افغانستان امروز است. در افغانستان امروز دیگر کسی نمی تواند با اتکا به فتوای مذهبی و برگزاری جرگه های قبیله ای، صاحب مشروعیت سیاسی شود. حضور گسترده مردم در پای صندوق های رأی، نشان دهنده آن است که نگاه بیشتر مردم افغانستان نسبت به خودشان تغییر کرده است.

دیگر مردم افغانستان خودشان را کتله هایی فرض نمی کنند که یک گروه باید آنان را به یک نحوی اداره کند. مردم افغانستان امروز خودشان را اتباعی می دانند که باید به حاکمان، قانون گذاران و اعضای شورای محلی خودشان مشروعیت بدهند. صف های طولانی در پشت مرکزهای رأی گیری نشان دهنده تغییر باور جمعی در افغانستان و نشانه شکل گیری فرهنگ سیاسی جدید است. نیروهای سیاسی ای که به انتخابات باور ندارند، ربطشان را با افغانستان امروزی از دست می دهند. نیروهایی که فکر می کنند در انتخابات ها نمی برند و به روش های دیگر برای رسیدن به قدرت فکر می کنند، نمی توانند نقش معنادار در سیاست افغانستان داشته باشند. نیروهایی که پیامشان تسخیر قدرت سیاسی از راه زور است، دیگر برای هیچ بخشی از مردم افغانستان جذاب نیستند. جذابیت تسخیر قدرت از راه زور و مشروعیت بخشی به لشکریان فاتح که روزگاری سنت های فرهنگی و روایت های مذهبی این دیار آن را تائید می کرد، دیگر به تاریخ پیوسته است.

وقتی که دیگر بستری برای مشروعیت بخشی به لشکر فاتح وجود نداشته باشد، هیچ نیرویی حتا با تسخیر قهرآمیز قدرت هم نمی تواند حاکمیتش را مشروع بسازد. امروز حتی حکومت های مذهبی در منطقه تلاش می کنند به نحوی برای خودشان مشروعیت انتخاباتی خلق کنند. افغانستان از مرحله تاریخی ای که غلبه نظامی مشروعیت می آورد، در حال عبور است. روشن است که انتقادهای مشروع در مورد ضعف های مدیریتی کمیسیون مستقل انتخابات وجود دارد که بحث جداگانه می طلبد.

پایان

با تشکر از روزنامه ۸ صبح